

معرفی و نقد کتاب

تاریخ و فرهنگ
مردم خجند

کتاب حاضر که ادامه و مکمل کتاب دیگر مؤلف با نام شهرآفتاب می‌باشد، شامل تاریخ مختصر خجند از گذشته تاکنون است. پروفیسور نذیرجان تورسان زاد که استاد دانشگاه دولتی خجند و رئیس موزه مردم شناسی شهر خجند در تاجیکستان است، نتیجه تحقیقات ده ساله خود را براساس آثار مکتوب دوره باستان، سده‌های میانه، دوره جدید، شامل اسناد باستان‌شناسی، مردم‌شناسی، زبانشناسی و پژوهش‌های اجتماعی در این کتاب فراهم آورده است. بنابراین کتاب حاضر، اثری جامع و تازه برای شناخت سرزمین باستانی و کنونی خجند تاجیکستان است که تاکنون جای آن بخصوص در کتابخانه‌های ایران خالی بود. البته پیش از این در ایران تحقیقات و مقالاتی جسته‌گریخته چاپ شده است که از آن جمله می‌توان مقاله مفصل «آل خجند» در دایره‌المعارف اسلام و یا کتاب خجند و خجندیان در آئینه ادبیات فارسی و یا مقالات ابوالقاسم قربانی درباره ابومحمد خجندی... را نام برد.

نویسنده در پیشگفتار به معرفی خود و مسافرت‌ها و دیدارهایش پرداخته و سپس از کسانی که او را در تدوین و چاپ کتاب یاری رسانده‌اند، تشکر می‌کند. سخن سرآغاز مؤلف راجع به شکل‌گیری و برپایی شهرهای ماوراءالنهر و آسیای مرکزی در سده‌های میانه و بررسی شهرها در عصر جدید و بررسی شهرهای آسیای مرکزی در دوره حکومت اتحاد جماهیر شوروی است. فصل اول شامل تاریخ و فرهنگ خجند در آثار تمدن معنوی و مادی است که شامل اوستا و منابع کتبی پیش از اسلام در مورد تاریخ خجند، اسکندریه اقصی در اخبار مؤلفان دوران باستان، خجند در مدارک باستان‌شناسی است که منبع بسیار مفیدی برای باستان‌شناسان ایران است. خجند باستان در منابع و مدارک مردم‌شناسی، فرهنگ عامه و زبان‌شناسی و جغرافیایی؛ عناوین مباحث دیگر فصل اول کتاب است. در این قسمت با توجه به اینکه از تحقیقات میدانی استفاده شده، مطالب جالبی فراهم آمده است.

ذکر خجند در آثار مکتوب سده‌های میانه و جدید نیز موضوع دیگر فصل اول است. مؤلف در این قسمت از منابع بسیاری بخصوص تحقیقات روسها استفاده برده است و این برای محققان ایرانی که دسترسی چندانی به منابع روسی ندارند بسیار مفید است.

فصل دوم شامل جغرافیای تاریخی سرزمین خجند است. در این فصل از مفهوم ولایت، مکان، مساحت و مرزهای سرزمین خجند، کوه‌های سرزمین

● صدیقه معتمدی



- تاریخ و فرهنگ مردم خجند
- نذیرجان تورسان زاد
- ترجمه: رضا نقدی کدکنی
- مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی، ۱۳۸۳.

ماه فرهنگ مردم خجند



خجند، منابع آبی خجند، آب و هوا، دشت و صحرا، منابع طبیعی خجند، راه‌های ارتباطی، واحه‌های مدنی صحبت شده است.

فصل سوم، «تاریخ خجند» است که از عصر مفرغ تا دوره شوروی را دربرمی‌گیرد. با مطالعه این فصل خواننده به طور غیرمستقیم با تاریخ و رود آشنا می‌گردد. در این قسمت نویسنده به خاطر عدم آشنایی با زبان عربی و خط فارسی، از منابع دست اول این دو زبان کمتر استفاده کرده است و این در حالی است که مؤلف در فصل اول متون بسیاری را نام می‌برد ولی در عمل استفاده چندانی از آنها نکرده است. مثلاً تاریخ رشیدی یکی از منابع مهم درباره تاریخ خراسان و ورارود است که استفاده نشده است و در عوض این کمبود با مراجعه به تحقیقات خاورشناسان روس جبران شده است.

فصل چهارم درباره فرهنگ سنتی خجند است که شامل فرهنگ مادی سنتی، سکونت‌گاهها، لباس، انواع غذاها و خانواده است. از آنجایی که نویسنده رئیس موزه مردم شناسی خجند بوده و تحقیقات میدانی درباره فرهنگ عامه منطقه داشته است مطالب جالبی در این بخش از کتاب به چشم می‌خورد که محققان مردم‌شناسی را در تحقیقات تطبیقی و بررسی مشترکات فرهنگ عامه ایران و آسیای مرکزی به کار می‌آید.

فصل پنجم دانشوران و اندیشمندان خجند را، مورد توجه قرار می‌دهد و در حقیقت بررسی زندگی و آثار دانشمندان تاجیکی و خجندی است که عده‌ای از آنها در کشورهای مختلف مصدکارهای مهمی بوده‌اند.

بخش آخر کتاب شامل منابع فارسی، عربی، روسی و انگلیسی است که نویسنده منابع عربی و فارسی را در زمانی که مهمان مرکز خراسان شناسی بود از کتابخانه‌های ایران استخراج نموده است. ترجمه فهرست منابع روسی آخر کتاب که فراوان است در واقع کتابشناسی ارزشمندی برای مترجمان و محققان ایرانی است که شایسته است به زبان فارسی ترجمه شود.

نویسنده این سطور در آرخاز استادان دکتر رئیس السادات و اصغر ارشاد سرابی که نکاتی در باب معرفی کتاب به اینجانب تذکر دادند، تشکر و قدردانی می‌نماید.